

دغبت نبت و تو میدانی که چه میجویم لوط گفت لا شکی در قوت بودی یا لشکر بودی تا
بشما جنگ کنم و نگذارم تا قصد کشید بهمانان من عروس لوط آب گرم بر سر بهمانان
برخت تا بر آن آید آن رسر کاوان بخت و بعد بر سر شد نه جرس خود را ظاهر کرد
لوط و گفت مژمن ما فرشتهگان آمده ایم تا ایشان را هلاک کنیم و بکشی چون در کشت
شد و راندند هم که رنده ندر کشتند و گفتند که لوط با جوان آورده است ما ویر
خود با این همانان هلاک کنیم پس جرس لوط را فرمود که با اهل بیت خود از میان ایشان
بیرون رود که بجهت باطن خدا خواهد رسید لوط گفت این روزه و ترسوخا هم در شکر
گشتند صبح نزدیک است لوط با دختران بیرون رفت عروس وی بایست رویست منزل
چهار شهر را بر پی خود پیروا شد و یکی را گذاشت چون ایشان کارهای میگردیدند
و بر دستان خدای کند ششگان او از سنگ دروغ را شنودند در آسمان عبده بالاس
کرد و شیب بالا کرد بر سر ایشان سنگها از چیل چیل میفتخت چینه یا از دوزخ می آورد
دی انداختند سنگ چیل بار ایند چیل سنگها کل چون عروس لوط او را کوان شنود
سر بس کرد و گفت ای دروغ قوم من سنگی بر سرش اندو هلاک شدن از خراب از ظالمان
امت و در نیست خدای تعالی سخن فرمود پس لوط و خرا از آبشش ابرایم بود و ابرام
آن دختر از آبشش ابرایم سخن فرمود و او هم سخنان بنی اسرائیل از شانی پدا شد و نصیب

در چهارم

در روشنی من و تو ازین قصه این است که ازین کارهای بر تو بکنیم و از ظلم دور باشیم
رسول گفت صلی الله علیه و سلم لایبظلالی القدر جل اقی رجلا او امرنی ذریرا یعنی بطرف
حق تعالی نظر کنند کسی که بر وی زوی کند یا زنی از راه پس و این حدت در صلح مکتوب
و ان قصه را از کواشی و تیسیر آورده شد از قصه نوح نیز خبر کرد و گفت **عَلَّمَا لَنَا**
طَلَمًا برستی که با جو مکتوبی فرمائی کردیم در طرفان نوح و بعد از آن آب گرفت
حَمَلًا بزده اشیم بدان شما را و شما در شستههای ایشان بودید اهل کی را بر تورا
خود نشان ندن و برده اشیم **فِي طَلَمًا** در کشتی گرفت بر روی آب المار کشتی
روان الجواری جامع **لِحَمَلًا لِكُمْ** که در آن کشتی را یعنی نجات مومنان کشتی
و هلاک کردن کافران را که بیرون کشتی بودند **تَلَمًا كَيْفِي** یا در دهن و پند
دنده و در عطف مومنان را و ترسانیدن کافران را **و نَحْمًا** و نایا کرده تصدیق کشتی
نوح را لایع نگاه داشتی و یاد داشتی **أَذِنَ وَ عِيَّة** گوش می یابد و گیرنده و تلمذ باشد
مردمان ازین نجات دادن مومنان و هلاک کردن کافران چون این آیت آمد رسول
گفت صلی الله علیه و سلم یا علی اذ خدای تعالی خواستیم تا گوش ترا خلیق کرد اند که
همچو خیر فراموش نمی معده هیچ خبر از فراموشی که در چنین قیامت را بیان کرد و مکتوبان
او را یا و کز از جان او خبر کرد که گفت **جَلَّ جَلَالُكَ فَادَا نَحْمًا** پس چون میدرد و می **الصَّلَاةُ**